

ادله قرآنی و روایی ذریه بودن امام حسین (ع) بر پایه مناظره یحیی بن یعمر با حجاج بن یوسف

میثم خلیلی^۱

دکتر جواد فرامرزی^۲

(تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۱/۳۰، تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۳/۱۸)

چکیده

در قسمت فضایل حسنین (ع) کتاب «مستدرک علی الصحیحین» حاکم نیشابوری، مناظره‌ای میان حجاج بن یوسف و یحیی بن یعمر نقل شده است که در آن حجاج ضمن طرح شبهه‌ای، انتساب مستقیم امام حسین (ع) را به پیامبر (ص) و ذریه بودن ایشان نفی نمود. این شبهه بلافاصله با پاسخ مستدل قرآنی یحیی بن یعمر مواجه شد. پرسش این است که یحیی بن یعمر در اثبات ذریه بودن امام حسین (ع) به چه آیه یا آیاتی استناد نمود؟ این مقاله در صدد است با استناد به آیات و روایات و با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی، به شبهه عدم انتساب مستقیم امام حسین (ع) به پیامبر (ص) پاسخ گوید. بررسی‌ها نشان می‌دهد: ذریه بودن امام حسین (ع) در آیات ۸۴ و ۸۵ سوره انعام، ۶۱ آل عمران و ۲۳ نساء و روایاتی که رسول خدا (ص) از امام حسین (ع) به عنوان فرزند خود یاد نموده‌اند، قابل اثبات است.

کلیدواژه‌ها: پیامبر (ص)، امام حسین (ع)، ذریه، یحیی بن یعمر، حجاج بن یوسف، مستدرک علی الصحیحین.

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن مجید- دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، meysam.khalili1370@gmail.com

۲. استادیار- دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، javadfaramarzi70@gmail.com

۱. طرح مسأله

یحیی بن یعمر (م ۱۲۹ق)، از پیشگامان مباحث علوم قرآنی و علم قرائت و از شیعیان علی بن ابی طالب (ع) است. در روایتی از حاکم نیشابوری، پیرامون فضایل امام حسین (ع) به گفت‌وگوی بین حجاج بن یوسف و یحیی بن یعمر، در مجلس حجاج اشاره گردیده است. در این جلسه، حجاج، جهت پایین آوردن مقامات امام حسین (ع)، با طرح شبهه‌ای نسبت مستقیم ایشان به رسول خدا (ص) را نفی نمود. این شبهه بلافاصله، با پاسخ محکم و قانع‌کننده یحیی بن یعمر، که به آیات کلام وحی استناد کرد، مواجه شد. بررسی و تبیین پاسخ قرآنی یحیی بن یعمر و همچنین دیگر مؤیدات قرآنی و روایی در پاسخ به شبهه ذریه نبودن امام حسین (ع) موضوعی ضروری در حوزه امامت اهل بیت (ع) است. زیرا اولاً شیعیان همواره امام حسین (ع) را نواده‌ی رسول خدا (ص) و از نسل ایشان می‌دانند و این مطلب را فضیلتی منحصر به فرد برای حسنین (ع) می‌شمارند؛ ثانیاً نسل امامت از طریق امام حسین (ع) تداوم یافته است و با اثبات این مطلب که امام حسین (ع) از نسل پیامبر (ص) است، ذریه نبی (ص) بودن سایر ائمه معصومین (ع) نیز اثبات می‌گردد. با توجه به آن چه بیان گردید پرسش زیر مطرح می‌شود:

استنادات قرآنی یحیی بن یعمر در اثبات ذریه بودن امام حسین (ع) و همچنین دیگر مؤیدات قرآنی و روایی در این زمینه چیست؟

این پژوهش در راستای پاسخ‌گویی به پرسش مذکور، و اثبات ذریه رسول خدا (ص) بودن امام حسین (ع) مستند به آیات و روایات و با محوریت مناظره مندرج در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» حاکم نیشابوری با روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته است.

۲. اصل مناظره به روایت حاکم نیشابوری

حاکم نیشابوری در مستدرک علی الصحیحین، این مناظره را با دو سند و یک مضمون، این‌گونه آورده است:

حدَّثنا أبوسهل أحمد بن محمد بن عبدالله بن زیاد النحوی ببغداد ثنا جعفر بن محمد بن

شاكر ثنا بشر بن مهران ثنا شريك عن عبد الملك بن عمير قال دخل يحيى بن يعمر
 على الحجاج
 وحدثنا إسحاق بن محمد بن علي بن خالد الهاشمي بالكوفة ثنا أحمد بن موسى بن
 إسحاق التميمي ثنا محمد بن عبيد النحاس ثنا صالح بن موسى الطلحي ثنا عاصم
 بن بهدلة قال:

«اجتمعوا عند الحجاج فذكر الحسين بن علي فقال الحجاج: لم يكن من ذرية النبي
 صلى الله عليه وآله وسلم وعنده يحيى بن يعمر فقال له: كذبت أيها الأمير فقال:
 لتأتيني على ما قلت ببينة ومصدق من كتاب الله عز وجل أو لأقتلنك قتلاً فقال:
 ﴿وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى - إِلَى قَوْمِهِ عَزَّوَجَلَّ - وَزَكَرِيَّا وَ
 يَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ﴾ (انعام/ ٨٤- ٨٥) فأخبر الله عز وجل أن عيسى من ذرية آدم
 بأمه والحسين بن علي من ذرية محمد صلى الله عليه وآله وسلم بأمه قال: صدقت
 فما حملك على تكذبي في مجلسي؟ قال: ما أخذ الله على الأنبياء ليبيننه للناس ولا
 يكتموننه قال الله عز وجل: ﴿فَتَبَدُّوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا﴾ (آل
 عمران/ ١٨٧؛ حاكم نيشابوري، ١٤١٧ق: ج ٣: ١٩٥، ح ٤٨٣٧)

در اجتماعی نزد حجاج بن یوسف، از حسین بن علی (ع) یاد شد. پس حجاج
 گفت: ایشان از ذریه و نسل پیامبر (ص) نیست. در مجلس حجاج، یحیی بن
 یعمر نیز حضور داشت. پس خطاب به حجاج گفت: دروغ گفتی ای امیر!
 حجاج به وی گفت: یا دلیل آن چه گفتی و مصداق آن را از کتاب خدا برایم
 روشن می کنی؛ یا تو را به قتل می رسانم. پس برای وی این آیه را شاهد آورد: «و از
 فرزندان او، داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی - تا گفته ی خداوند متعال
 - و (هم چنین) زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را» در این آیه خداوند خبر داده
 است که عیسی (ع) از ذریه آدم، به واسطه ی مادرش است؛ و حسین بن علی
 (ع) نیز از ذریه و نسل محمد (ص) به واسطه ی مادرش است. گفت: راست
 گفتی. ولی با چه جرأتی مرا در مجلسم تکذیب نمودی؟ گفت: به واسطه آن چه
 خداوند از انبیا عهد گرفت که برای مردم معنای آن را روشن سازند و آن را کتمان
 نکنند. خداوند عزوجل فرمود: «ولی آن ها، آن را پشت سرافکنند؛ و به بهای
 کمی فروختند؛ و چه بد متاعی می خزند؟!»

شبهه این روایت برای حاکم با اندکی اختلاف در مضمون، جلال الدین سیوطی به این صورت نقل می‌کند:

«روزی حجاج، به دنبال «یحیی بن یعمر» فرستاد و به وی گفت: برایم گزارش داده‌اند که تومی‌پنداری حسن و حسین (ع)، فرزندان و ذریه پیامبرند و این سخن را در کتاب خدا (قرآن) یافته‌ای، در حالی که من از آغاز تا پایان قرآن را خوانده‌ام و این سخن را نیافتم». «یحیی بن یعمر» گفت: آیا این آیه از سوره انعام را نخوانده‌ای که می‌فرماید: ﴿مَنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ...﴾ تا آن جا که می‌فرماید «و یحیی و عیسی»؟ گفت: چرا، خوانده‌ام.

یحیی گفت: آیا در این سخن قرآن، حضرت عیسی به عنوان ذریه ابراهیم به شمار نرفته است، در حالی که برای او پدری نبود [و از طریق مادر به ابراهیم می‌رسد] حجاج پاسخ داد: سخن تو، درست است. «(سیوطی، ۱۴۲۸ق: ۳: ۲۸).

۳. تبیین دلیل قرآنی یحیی بن یعمر

همان‌گونه که ملاحظه گردید، یحیی بن یعمر در پاسخ حجاج بن یوسف به آیات ۸۴ و ۸۵ سوره انعام استناد نمود. در این آیات، عیسی بن مریم (ع)، با وجود این که پدری نداشت، ولی از سوی مادر، به حضرت نوح (ع) و ابراهیم (ع) منتسب شد. طبق قاعده جری و تطبیق و عدم انحصار آیات قرآن کریم به زمان یا افرادی خاص، می‌توان این موضوع را برای امام حسین (ع) نیز به اثبات رسانید و انتساب ایشان به واسطه حضرت فاطمه (س) به رسول خدا (ص) را نیز دلیلی بر ذریه پیامبر (ص) بودن ایشان عنوان کرد. این تحلیل در کلام بسیاری از مفسران و بزرگان فریقین نیز به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه از مفسران شیعه، شیخ طوسی آیه را دلالتی بر این مطلب می‌داند که امام حسن (ع) و امام حسین (ع) از اولاد رسول خدا (ص) هستند، و دلیل خود را این‌گونه تشریح می‌کند:

«و فی الآیة دلالة علی أن الحسن والحسین من ولد رسول الله (ص)، لأن عیسی جعله الله من ذریة ابراهیم أو نوح، وإنما كانت أمه من ذریتهما.» (طوسی، بی تا: ج ۴: ۱۹۴).

در آیه دلالتی است که حسن و حسین (ع) از فرزندان رسول خدا (ص) هستند، زیرا خداوند، عیسی (ع) را از ذریه و نسل ابراهیم (ع) یا نوح (ع) قرار داد، در حالی که مادرش از ذریه ایشان بود.

طبرسی نیز قریب به این دیدگاه را در «مجمع البیان» نقل می‌کند و می‌نویسد:

«خداوند متعال عیسی را که پسر مریم است، از ذریه ابراهیم (ع) یا نوح (ع) شمرده است و از اینجا استفاده می‌شود که حسنین (ع) و اولادشان از ذریه پیامبر خدا هستند و حسن (ع) و حسین (ع) پسران پیامبرند.» (طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۸: ۱۷۱).

ابوالفتوح رازی نیز پس از تعجب آمیز قلمداد کردن سخن نواصب پیرامون عدم انتساب حسنین (ع) به پیامبر (ص) به این آیه اشاره می‌نماید و بیان می‌کند که با وجود فاصله چندین هزار ساله میان عیسی (ع) و نوح (ع)، به تصریح قرآن ایشان از ذریه نوح (ع) است. حال چگونه ممکن است حسنین (ع) به یک واسطه یعنی حضرت فاطمه (س) از اولاد پیامبر (ص) نباشند؟» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ج ۷: ۳۶۵).

اما علامه طباطبایی نیز ذیل آیات شریفه ۸۴ و ۸۵ انعام، گفتاری طولانی دارد؛ از جمله می‌نویسد:

«از این که قرآن کریم عیسی را در بین نام‌برندگان از ذریه نوح می‌شمارد، می‌توان به دست آورد که قرآن کریم دخترزادگان را هم اولاد و ذریه حقیقی می‌داند، چون اگر غیر این بود عیسی را که از طرف مادر به نوح متصل می‌شود، ذریه نوح نمی‌خواند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۷: ۳۳۸).

سپس در بحث روایی، کلام آلوسی را پیرامون این آیات، این‌گونه نقل می‌کند:

«آلوسی در تفسیر روح المعانی در ذیل جمله «و عیسی...» می‌گوید: این که قرآن کریم عیسی (ع) را در شمار ذریه ابراهیم (ع) شمرده، خود دلیل بر این است که ذریه شامل دخترزاده‌ها نیز می‌شود، برای این که عیسی (ع) تنها از طرف مادر به ابراهیم (ع) متصل و منتسب می‌شود. و اگر کسی اشکال کند که این معنا دلالت ندارد بر این که هر دخترزاده‌ای ذریه است، برای این که عیسی (ع) پدر

نداشت تا از راه پدر به ابراهیم (ع) نسبت پیدا کند. و از این جهت بوده که قرآن او را ذریه ابراهیم (ع) خوانده، جوابش خوب روشن است، البته مسأله مورد اختلاف است، ولیکن هر کسی که ذریه را شامل دخترزاده نیز دانسته به همین آیه استدلال کرده، از آن جمله امام موسی کاظم (ع) که بنا به بعضی از روایات در پاسخ هارون الرشید به این آیه تمسک نموده است. «همان، ج ۷: ۳۶۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۷: ۲۱۳».

نظر بعدی که علامه طباطبایی به آن اشاره نموده، دیدگاه فخررازی در این زمینه است. فخررازی نیز مناظره امام موسی بن جعفر (ع) در مجلس حجّاج را که طی آن حضرت جهت اثبات ذریه بودن امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به این آیات و هم چنین آیه مباهله استدلال کرده اند؛ نقل نموده است. نتیجه حاصل فخررازی در این زمینه در بیان علامه طباطبایی این چنین آمده است:

«آن چه در نظر من قوی تر است این است که دخترزادگان نیز داخل در ذریه هستند.» (همان، ج ۷: ۳۶۵؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ج ۱۳: ۴۵۳).

صاحب تفسیر نمونه نیز، پس از آن که انتقال نَسب از طریق پدر را ارجاع به دوران جاهلیت می دهد، انکار انتساب حسنین (ع) به رسول خدا (ص) را شیوه دشمنان اهل بیت (ع) جهت کم رنگ نشان دادن فضایل ایشان معرفی می کند. وی پس از آن که به احادیث ائمه اطهار (ع) و نظرات برخی علمای اهل سنت در این زمینه اشاره می کند، نتیجه بحث خود را این گونه بیان می دارد:

«شکّی نیست که فرزندزاده ها از طرف دختر و پسر هر دو فرزند انسان محسوب می شوند و هیچ گونه تفاوتی در این زمینه نیست، و نه این موضوع از مختصات پیغمبر ماست و مخالفت با این مسأله سرچشمه ای جز تعصب و یا افکار جاهلی ندارد، و لذا در تمام احکام اسلامی از قبیل ازدواج و ارث و مانند آن هیچ گونه تفاوتی میان این دو نیست.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۵: ۳۲۹).

اما از مفسران اهل سنت، علاوه بر دیدگاه هایی که از فخررازی و آلوسی به نقل از علامه طباطبایی مطرح گردید، صاحبان تفاسیری هم چون انوار التنزیل (بیضاوی، ۱۴۱۸ق:

ج ۲: ۱۷۱)، محرز الوجیز (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۲: ۳۱۷)، جامع الأحکام القرآن (قرطبی، ۱۳۶۴ ش: ج ۷: ۳۱)، مدارک التنزیل (نسفی، ۱۴۱۶: ۲: ۳۲) و... طبق آیه ۸۴ و ۸۵ سوره انعام، حسنین (ع) را از ذریه و نسل پیامبر اکرم (ص) معرفی کرده‌اند. در نتیجه بنا بر استدلال یحیی بن یعمر بر آیات ۸۴ و ۸۵ سوره انعام و طبق نظرات مفسران فریقین، دلالت آیه بر ذریه بودن حسنین (ع) واضح است.

۴. دیگر مؤیدات قرآنی و روایی در اثبات ذریه بودن امام حسین (ع)

علاوه بر آیه مورد استناد یحیی بن یعمر، می‌توان در جهت اثبات این مطلب که امام حسین (ع) ذریه و فرزند رسول خدا (ص) است، به مؤیدات دیگر قرآنی، روایی و تاریخی اشاره کرد. این مؤیدات عبارت‌اند از:

۱.۴. آیه مباهله

در آیه ۶۱ سوره مبارکه آل عمران، که به آیه مباهله مشهور است، از حسنین (ع) با عنوان پسران رسول خدا (ص) یاد شده است:

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾
 (هرگاه بعد از علم و دانشی که (در باره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با توبه
 محاجه و ستیز برخیزند، به آن‌ها بگو: «بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم،
 شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما
 از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آن‌گاه مباهله کنیم؛ و لعنت
 خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم.» (آل عمران/۶۱).

این آیه در استدلال‌های ائمه اطهار (ع) در جهت اثبات ذریه بودن حسنین (ع) در مناظراتی که با مخالفان انجام داده‌اند، مورد استناد قرار گرفته است. به عنوان نمونه می‌توان به مناظره امام کاظم (ع) در مجلس حجاج اشاره نمود، که فخر رازی آن را در تفسیر کبیر خود نقل نموده است. امام (ع) فرمایش‌ها و سخنان خود را در جهت اثبات این مطلب که حسن و حسین (ع) از نسل رسول خدا (ص) هستند، مستند به آیات قرآن

کریم - از جمله آیه مباحله - نمودند و سپس فرمودند:

«بعد از آن که آیه مباحله نازل شد، رسول خدا (ص) حسن و حسین (ع) را برای شرکت در میاهله دعوت فرمود و به نصارا نیز فرمود: «بیایید ما فرزندان خود را و شما هم فرزندان خویش را دعوت نموده و مباحله کنیم.» (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۱۳: ۴۵۳).

ابوالفتح رازی در تفسیر خود، در اثبات این مطلب که دخترزادگان نیز در مال وقفی که پدر برای فرزندان در نظر گرفته، با فرزندان پسر شریک اند، و از آن مال به آن‌ها نیز تعلق می‌گیرد، به قول شافعی تمسک می‌کند که وی به قسمتی از آیه کریمه مباحله: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ» استدلال نموده و این قول را با واقعیت سازگار، و موافق دیدگاه شیعیان می‌داند. هم‌چنین در ادامه به گفت‌وگویی میان مأمون عباسی و امام رضا (ع) اشاره می‌نماید که حضرت در جواب پرسش مأمون که دلیلی قرآنی مبنی بر انتساب مستقیم امام (ع) به رسول خدا (ص) خواسته بود، به این قسمت از آیه کریمه مباحله استناد نمودند. (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق: ج ۷: ۳۶۵).

اما در اثبات این مطلب که مقصود از «أبنائنا» در آیه شریفه مباحله، حسنین (ع) هستند، می‌توان به سبب نزول این آیه که در منابع معتبر فریقین نقل شده است، مراجعه نمود. به عنوان نمونه دو شاهد در این زمینه از منابع فریقین نقل می‌شود. از منابع شیعه، در تفسیر عیاشی آمده است:

«امام صادق (ع) نقل می‌کنند که از امیرالمؤمنین (ع)، درباره فضایلشان سؤال شد. آن حضرت، قسمتی از فضایل خود را برای آن‌ها بازگو نمود. گفتند: یا علی! باز هم بگو. حضرت فرمود: «نزد پیامبر (ص) دو نفر از احبار نصارا از اهل نجران آمدند و درباره عیسی (ع) به مباحثه پرداختند. خداوند متعال هم آیات مباحله را نازل فرمود. پس از این پیامبر (ص) دست من، حسن و حسین و فاطمه (علیهم‌السلام) را گرفت و کف دست خود را به سوی آسمان گشود و آن‌ها را به مباحله فراخواند.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۷۷)^۱

۱. برای مشاهده سایر روایات شیعه پیرامون نزول آیه مباحله در شأن اهل بیت (ع)، رک: قمی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۱۰۵-۱۰۶؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۸۶؛ یعقوبی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۸۲-۸۳؛ مفید، ۱۴۱۴ق:

از علمای اهل سنت نیز حاکم نیشابوری، در «معرفة علوم الحدیث»، می نویسد:

«از ابن عباس نقل شده: آیه ﴿فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَ...﴾ بر پیامبر (ص) نازل شد. منظور از نفس پیامبر (ص)، علی (ع)، منظور از «نساءنا و نساءکم» فاطمه (س) و منظور از «ابناءنا و ابناءکم» حسن و حسین (ع) بوده و درخواست عذاب در حق دروغ‌گویان درباره عاقب، سید، عبدالمسیح و یاران آن‌ها بوده است.» (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۰ق: ۴۹-۵۰)^۱

طبق این روایات، امام حسن و امام حسین (ع) مصداق «ابناءنا» در آیه کریمه می باشند و از آن‌ها با عنوان فرزندان رسول خدا (ص) یاد شده است.

۲.۴. آیه ۲۳ سوره نساء

از دیگر آیات کلام خدا که می‌توان در جهت اثبات ذریه بودن امام حسین (ع) به آن استناد نمود، آیه ۲۳ سوره مبارکه نساء است. این آیه محکمه‌ای است که محرمات در باب ازدواج و آن چه را که در این باب حلال است بر می‌شمارد (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ج ۴: ۴۱۶). در قسمتی از آیه شریفه آمده است: ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ... وَ حَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ﴾ (حرام شده است بر شما مادرانتان و دختران... و (همچنین) همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند).

در این آیه، ازدواج با همسران پسران مسلمین که از نسل ایشان هستند، از مصادیق

ص ۱۱۵-۱۱۶؛ طوسی، بی تا: ج ۲، ص ۴۸۵؛ طبرسی، ۱۳۶۰ش: ج ۴، ص ۱۰۲؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ص ۳۶۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ص ۴۲۰؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ص ۱۱۸؛ گنبدی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۲۶۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۳۴۶-۳۵۱؛ مجلسی، ۱۹۸۳م: ج ۲۱، ص ۳۲۳ و....

۱. سایر منابع تفسیری و روایی اهل سنت که آیه مباحله را در شأن اهل بیت (ع) و اصحاب کساء می‌دانند، عبارت‌اند از: ابن حنبل، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۱۸۵؛ نیشابوری، بی تا: ج ۷، ص ۱۲۰؛ ترمذی، بی تا: ج ۵، ص ۶۵۹؛ طبری، ۱۹۸۸م: ج ۳، ص ۲۱۲-۲۱۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ص ۳۶۸-۳۶۹؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ص ۱۷۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ص ۸۵؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ص ۱۲۶؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۴۴۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش: ج ۴، ص ۱۰۴؛ ابن الجوزی، ۱۴۲۲ق: ج ۱، ص ۲۸۹؛ میبیدی، ۱۳۷۱ش: ج ۲، ص ۱۴۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۸ق: ج ۳، ص ۹۰؛ هیثمی، ۱۳۸۷: ص ۲۳۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ص ۳۸ و....

ازدواج حرام شمرده شده است. اما پیرامون دلالت این آیه بر ذریه بودن حسنین (ع) می‌توان به روایتی از امام باقر (ع) اشاره نمود. این روایت را کلینی به سند خود از عبدالصمد بن بشیر از ابی‌الجارود روایت کرده است. در این روایت، حضرت جهت اثبات ذریه بودن حسنین (ع) علاوه بر آیات ۸۴ و ۸۵ سوره انعام و ۶۱ سوره آل عمران - که توضیحاتشان از نظر گذشت - به آیه کریمه ۲۳ سوره نساء استدلال می‌فرمایند. حضرت، هنگامی که به این قسمت از آیه شریفه می‌رسند: «وَحَلَّلْنَا أَبْنَاءَكُمْ مِنَ الْأَصْلَابِكُمْ» خطاب به ابوالجارود می‌فرمایند:

«آیا رسول خدا (ص) می‌توانست با همسران حسن و حسین (ع) ازدواج کند؟ اگر مخالفین بگویند آری می‌توانست، قطعاً دروغ گفته و فاسق شده‌اند، و اگر اعتراف کنند به این که نمی‌توانست، پس اعتراف کرده‌اند به این که حسن و حسین (ع) از صلب پیامبر اکرم (ص) هستند.» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸: ۳۱۷؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ج ۱: ۴۶۱).

امام رضا (ع) نیز طی مناظره‌ای با علمای مرو در مجلسی که مأمون عباسی تدارک دیده بود، در توضیح تفاوت میان «عترت» پیامبر (ص) و «امت» و ذکر دهمین شاهد قرآنی در معنای «اصطفاء» و برگزیدگی خاندان پیامبر (ص)، به این قسمت از آیه ۲۳ سوره نساء استناد نموده و خطاب به علمای حاضر فرمودند:

«آیا اگر رسول خدا (ص) در قید حیات بودند، دختر من و دختر پسر من و سایر دخترانی که از نسل من هستند، برایشان حلال بودند؟ گفتند: خیر، حضرت فرمودند: حال بگویید آیا دختران شما - بر فرض این که رسول خدا (ص) در قید حیات باشند - برایشان حلال‌اند؟ گفتند: بله، حضرت فرمودند: این خود دلیل است بر این که من از آل آن حضرت هستم و شما از آل او نیستید و اگر شما از آل او بودید، دخترانتان برایشان حرام بود. همان طور که دختران من برایشان حرام‌اند، چون من از آل او هستم و شما از امت او هستید (ابن بابویه، ۱۳۷۳: ج ۱: ۴۹۴).

در نتیجه، طبق این آیه شریفه، حسنین (ع) و فرزندان ایشان از ذریه نبی مکرم (ص) هستند. چرا که زنان ایشان بر رسول خدا (ص) محرم‌اند و ازدواج با ایشان بر رسول خدا (ص) حلال نیست.

۳.۴. احادیث نبوی (ص)

در بسیاری از احادیث و روایاتی که از نبی مکرم (ص) در فضایل امام حسین (ع) نقل گردیده است، پیامبر (ص) از حضرت با عناوینی همچون «ابن»، «سبط» و... یاد نمودند. به عنوان نمونه حاکم نیشابوری در دو روایت از مستدرک خود، پیرامون فضایل امام حسین (ع)، از یعلی‌العامری و ابوهریره نقل می‌کند که پیامبر (ص) فرمودند:

«حسین مئی و أنا من حسین، أحب الله من أحب حسیناً، حسین سبط من الأسباط»
حسین (ع) از من است و من هم از حسینم، هر کس حسین (ع) را دوست بدارد خداوند دوست او باد، حسین (ع) فرزند زاده‌ای است از فرزندزادگان انبیا (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۷ق: ج ۳: ۲۱۱، ح ۴۸۸۶ و ۴۸۸۷).

خاطر نشان می‌گردد، حاکم پس از نقل هریک از این دو حدیث می‌نویسد: «هذا حدیث صحیح الإسناد ولم یخرجاه» (همان) این دو حدیث از نظر سند صحیح‌اند، ولی بخاری و مسلم آن‌ها را نقل نکرده‌اند.

همان‌گونه که ملاحظه گردید، در این دو حدیث، نبی مکرم (ص) از امام حسین (ع) با لفظ «سبط» یا نواده و فرزند خویش یاد نموده است. علاوه بر مستدرک حاکم، این حدیث در بسیاری از منبع اهل سنت از جمله المصنّف (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق: ج ۶: ۳۸۰)، سنن ترمذی (ترمذی، بی‌تا: ج ۵: ۶۵۸)، صحیح ابن حبان (ابن حبان، بی‌تا: ج ۱۵: ۴۲۷) و... نقل شده است. احمد بن ابوبکر کنانی، پس از نقل این حدیث، به «حسن» بودن سند و توثیق رجال آن تصریح کرده است. (کنانی، بی‌تا: ج ۱: ۲۲) هیشمی نیز سند این روایات را حسن دانسته است. (هیشمی، ۱۴۰۸ق: ج ۹: ۱۸۱) در منابع شیعه نیز این روایت از طریق یعلی بن مرّه عامری به صورت مختصر و مفصل نقل شده است (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ص ۱۱۷؛ مفید، ۱۴۱۴ق: ج ۲: ۱۲۷).

در برخی دیگر از روایات وارد شده که حضرت فرمودند: «الْوَلَدُ رِيحَانَةٌ وَرِيحَانَتِي الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ» (بخاری، ۱۴۰۷ق: ج ۲: ۱۸۸؛ ترمذی، بی‌تا: ج ۱۳: ۱۹۳) فرزند ریحانه است و دوریچانه من حسن و حسین‌اند. همچنین در حدیث دیگر فرمود: «إِنَّ ابْنِي هَدَيْنَ رِيحَانَتِي مِنَ الدُّنْيَا» این دو پسر من، دوریچانه من از دنیا هستند. (همان منابع)

خطاب رسول خدا (ص) به «ابن» در این احادیث شریف، به وضوح دلالت بر ذریه بودن حسنین (ع) دارد.

و نیز در منابع اهل سنت سیوطی از بغوی و ابن السکن و باوردی و ابن منده و ابن عساکر از انس بن حارث روایت کرده اند که پیامبر (ص) خطاب به امام حسین (ع) فرمودند: «انَّ ابْنِي هَذَا يُقْتَلُ بِأَرْضِ مِنَ الْعِرَاقِ يُقَالُ لَهَا كَرْبَلَا فَمَنْ شَهِدَ ذَلِكَ مِنْهُمْ فَلْيَنْصُرْهُ.» به درستی که این پسر در زمینی از عراق که به آن کربلا گفته می شود کشته می شود؛ پس هر کس شاهد بر آن باشد باید او را یاری کند. (متقی هندی، ۱۴۱۹ق: ج ۶: ۲۲۳).

همچنین در روایات شیعه نیز احادیثی در این زمینه وارد شده است. از جمله طبرسی در مجمع البیان، حدیثی صحیح از رسول خدا (ص) را عنوان می کند که حضرت خطاب به حسنین (ع) فرمودند: «این دو پسر امام اند، قیام کنند یا قیام نکنند.» (طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۸: ۱۷۱).

احادیث از پیامبر اکرم (ص) در این زمینه بسیار است که جهت نمونه به چند مورد اشاره گردید. دلالت تمامی این روایات با اختلافات سندی و مضمونی، بر این است که امام حسین (ع) فرزند و نواده ی رسول خدا (ص) است و شبهه عدم انتساب مستقیم حضرت به پیامبر (ص) با این احادیث و روایات مشابه آن بر طرف می شود.

۴.۴. سیره اصحاب رسول خدا (ص)

در دوران صحابه، اصطلاح «ابن رسول الله» معمولاً درباره نسل حضرت فاطمه (س) به کار برده می شد، و در باب دیگر نوادگان حضرت زهرا (س) نمونه ای در کاربرد این اصطلاح درباره فرد یا افراد دیگر مشاهده نشده است.

مردم تنها امام حسن و امام حسین (ع) را فرزندان رسول خدا (ص) می دانستند و لذا به ایشان «یابن رسول الله» می گفتند و بعدها هم به امامان از نسل امام حسین «یابن رسول الله» گفتند. اما در دیگر موارد هرگز چنین اتفاقی نیفتاد. ناگفته نماند اهل بیت (ع) نیز خود را فرزندان حضرت رسول (ص) خطاب می کردند و این موارد شاهی است بر این که حسنین (ع) از ذریه و نسل پیامبر (ص) هستند (همان، ج ۸: ۱۷۱).

۵. نتیجه

پرسش کلیدی این پژوهش، استنادات قرآنی یحیی بن یعمر و دیگر مؤیدات قرآنی و روایی پیرامون اثبات ذریه بودن امام حسین (ع) است. این پژوهش، ارائه مستندات قرآنی، تفسیری، روایی و... را رهیافتی مناسب به سوی پاسخ به این پرسش می‌داند و نشان می‌دهد:

۱. در آیات ۸۴ و ۸۵ سوره انعام که مورد استناد یحیی بن یعمر در پاسخ به شبهه حجاج قرار گرفته است، دلالت واضحی بر ذریه بودن امام حسین (ع) وجود دارد. طبق این آیات، حضرت عیسی (ع) با وجود این که از طریق مادر به ابراهیم و نوح (ع) منتسب است، ولی از ذریه ایشان محسوب می‌شود. در نتیجه شبهه عدم انتساب مستقیم امام حسین (ع) به رسول خدا (ص) با استناد به این آیه مردود است.

۲. علاوه بر آیات ۸۴ و ۸۵ سوره انعام، می‌توان در جهت اثبات ذریه بودن امام حسین (ع) به آیه ۶۱ سوره آل عمران (آیه مباهله) نیز اشاره نمود. طبق دیدگاه غالب مفسران فریقین و همچنین بر اساس روایات متواتر، این آیه در شأن اهل بیت (ع) نازل شده است. در قسمتی از آیه از پیامبر (ص) خواسته شده که جهت انجام مباهله فرزندان خود، یعنی امام حسن و امام حسین (ع) را بیاورد. در نتیجه امام حسین (ع) طبق این آیه از فرزندان رسول خدا (ص) محسوب می‌شود.

۳. در آیه ۲۳ سوره نساء، ازدواج با همسران پسران مسلمین که از نسل ایشان هستند، از مصادیق ازدواج حرام شمرده شده است. قطعاً اگر پیامبر (ص) در دوران امام حسین (ع) در قید حیات بودند، نمی‌توانستند با همسرانشان پیوند زناشویی برقرار نمایند. در نتیجه طبق این آیه، امام حسین (ع) از نسل و ذریه پیامبر (ص) محسوب می‌شوند.

۴. در بسیاری از احادیث نبوی (ص)، از امام حسین (ع) با عناوینی همچون «ابن»، «ولد»، «سبط من الأسباط» و... یاد شده است. در نتیجه، پیامبر (ص) امام حسین (ع) را فرزند خویش خوانده‌اند و شبهه عدم انتساب حضرت به رسول خدا (ص)، طبق این روایات باطل می‌شود.

۵. از این مطلب که اصحاب رسول خدا (ص) در زمان حیات پیامبر (ص) و پس از رحلت ایشان، از امام حسن و امام حسین (ع) با لفظ «یا بن رسول الله (ص)» یاد نموده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که صحابه آگاه بودند که ایشان از ذریه و نسل پیامبر اسلام (ص) است.

۶. از مجموع مطالب بیان شده این نتیجه حاصل می‌شود که با طرح شبهات بی‌اساس نمی‌توان فضیلت ذریه و نسل پیامبر (ص) بودن امام حسین (ع) را زیر سؤال برد. زیرا شواهد قرآنی، تفسیری و روایی بسیاری در اثبات این مطلب وجود دارد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن ابی شیبہ، ابوبکر. (۱۴۰۹ق). *المصنّف فی الاحادیث والآثار*. ریاض: مكتبة الرشد.
۳. ابن بابویه، محمّد بن علی. (۱۳۷۳). *عیون أخبار الرضا (ع)*. ترجمه حمیدرضا مستفید؛ علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
۴. ابن حبان، علاء الدین علی بن بلبان. (بی تا). *صحیح ابن حبان*. بیروت: مؤسسة الرسالة.
۵. ابن حجر هیثمی، احمد بن محمّد. (۱۳۸۷). *صواعق المحرقة*. قم: مؤسسه فرهنگي تبيان.
۶. ابن حنبل، احمد بن محمّد. (۱۴۰۸ق). *مسند احمد بن حنبل*. بیروت: مؤسسة الكتاب الثقافیة.
۷. ابن شهر آشوب، محمّد بن علی. (۱۴۱۲ق). *مناقب آل أبی طالب (ع)*. بیروت: دارالأضواء.
۸. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن. (۱۴۱۸ق). *تاریخ مدینه دمشق*. بیروت: دارالفکر.
۹. ابن عطیة آندلسی، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۰. ابن قولویه، جعفر بن محمّد. (۱۳۵۶). *کامل الزیارات*. قم: کتاب فروشی وجدانی.
۱۱. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). *روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
۱۲. آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبغ المثانی*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۳. بخاری، محمّد بن اسماعیل. (۱۴۰۷ق). *صحیح البخاری*. بیروت: دار ابن کثیر.
۱۴. بیضاوی، عبد الله بن عمر. (۱۴۱۸ق). *أنوار التنزیل وأسرار التأویل*. بیروت: دار إحياء

التراث العربی.

۱۵. ترمذی، ابو عیسیٰ محمد بن عیسیٰ. (بی تا). سنن ترمذی. بیروت: دار احیاء التراث.
۱۶. ثعلبی، احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). الكشف والبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۷. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۷ق). المستدرک علی الصحیحین. مصر: دارالحرمین للطباعة و النشر.
۱۸. همو، (۱۴۰۰ق). معرفة علوم الحدیث. بیروت: دارالآفاق الجدیده.
۱۹. حسکانی، عبیدالله بن احمد. (۱۴۱۱ق). شواهد التنزیل. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.
۲۰. حسینی استرآبادی، شرف الدین علی. (۱۴۰۹ق). تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۱. زمخشری، جارالله محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الكشف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۲. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور. قم: کتاب خانه آیت الله مرعشی.
۲۳. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات فراهانی.
۲۵. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. جامع البیان عن تأویل آی القرآن. بیروت: دارالفکر.
۲۶. طوسی، محمد بن الحسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
۲۸. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی. تهران: چاپ خانه علمیه.
۲۹. فخر رازی، محمود بن عمر. (۱۴۲۰ق). تفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء

التراث العربي.

٣٠. فرات كوفى، فرات بن ابراهيم. (١٩٩٠م). *تفسير فرات الكوفى*. تهران: مؤسسه الطبع و النشر لوزارة الثقافة و الارشاد الاسلامى.
٣١. قرطبي، محمد بن احمد. (١٣٦٤ش). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
٣٢. قمى، على بن ابراهيم. (١٣٦٣ش). *تفسير القمى*. قم: دارالكتاب.
٣٣. كلينى، محمد بن يعقوب. (١٣٦٣ق). *الروضة من الكافى*. تهران: دارالكتب الإسلاميه.
٣٤. كنانى، احمد بن ابى بكر. (بى تا). *مصباح الزجاجه*. بى جا: بى نا.
٣٥. گنابادى، سلطان محمد. (١٤٠٨ق). *بيان السعادة فى مقامات العبادة*. بيروت: مؤسسة الأعلمى.
٣٦. متقى الهندى، علاء الدين على. (١٤١٩ق). *كنز العمال فى سنن و الأقوال و الأفعال*. بيروت: دارالكتب العلميه.
٣٧. مجلسى، محمد باقر. (١٩٨٣م). *بحار الأنوار*. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
٣٨. مفيد، محمد بن محمد. (١٤١٤ق). *الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد*. قم: دارالمفيد.
٣٩. مكارم شيرازى، ناصر. (١٣٧٤). *تفسير نمونه*. تهران: دارالكتب الإسلاميه.
٤٠. ميبدى، احمد بن محمد. (١٣٧١ش). *كشف الأسرار و عدة الأبرار*. تهران: انتشارات اميركبير.
٤١. نسفى، عبد الله بن احمد. (١٤١٦ق). *مدارك التنزيل و حقايق التأويل*. بيروت: دارالنفائس.
٤٢. نيشابورى، مسلم بن حجاج. (بى تا). *صحيح مسلم*. بيروت: دارالفكر.
٤٣. هيثمى، على بن ابى بكر. (١٤٠٨ق). *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*. بيروت: دارالكتب العلميه.
٤٤. يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب. (١٤١٥ق). *تاريخ يعقوبى*. بيروت: دارصادر.